

خبر

نوید محمدزاده تهیه کننده شد

بخش فرهنگی – نمایش «کریملوژی» با کارگردانی رضا بهرامی و تهیه‌کنندگی نوید محمدزاده پس از اجرا در تئاتر شهر، بار دیگر در تماشاخانه هامون روی صحنه می‌رود.

پس از اجرای نمایش «کریملوژی» در سالن قشقایی تئاتر شهر و حضور این نمایش در سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، این نمایش از ۱۵ دی با تهیه‌کنندگی نوید محمدزاده روی صحنه می‌رود.

نمایش «کریملوژی» به قلم مهران رنجبر و براساس طرحی از کهدید تاراج برای نخستین بار در جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی روی صحنه رفت. این نمایش روایت مونولوگی از زندگی کریم شیرهای، تلخک دربار ناصرالدین شاه بود که لقب دوشاب ململک را داشت و برای ناصرالدین شاه انقدر عزیز بود که زمانی که فوت کرد ناصرالدین شاه سه روز عزای عمومی اعلام کرد؛ اما در حال حاضر هیچ نشانی از قبر کریم شیرهای نیست و کسی نمی‌داند قبر او کجاست. حالا کریم شیرهای بعد از سال‌ها به دنبال قبر خود و پرسش‌های بی‌جوابش می‌گردد.

●●●●●

بازیگر نقش «وارش»:

به من می‌گویند شبیه «ستایش» شدی



بخش فرهنگی – بازیگر نقش «وارش» گفت: مادر بودن، قدرتمند بودن، عاشق بودن و همه خصوصیات اخلاقی که یک زن را دوست داشتنی می‌کند و من دوستش داشتم در شخصیت وارش بود و این برایم جای کار زیادی داشت که می‌توانستم روی تمام ابعادش کار کنم. الهام طهوری بازیگر نقش جوانی و میانسالی وارش با اینکه تا به حال در سریال‌های «بی قید و شرط»، «پدر»، «پرستاران»، «نفس گرم» بازی کرده است، اما برای اولین بار نقشی محوری را در این سریال ایفاگر شده است. او که اصالتا اصفهانی است و هنوز مادر هم نشده است، برای ایفای این نقش با چالش‌هایی مواجه بوده است، اما با همه این احوال هنوز نقش وارش را دوست دارد و آرزو دارد تا این سریال ادامه داشته باشد. با طهوری درباره تمام چالش‌هایی که برای ایفای نقش وارش داشته است، گفت‌وگو کردیم.

از ابتدا که قرار بود این سریال پخش شود زمزمه‌هایی بود که شبیه به سریال «پس از باران» ساخته سعید سلطانی است. اما سریال که پخش شد از تصاویر زیبای بصری شمال کشور، پس از باران را برایشان تداعی کرد و در ادامه بخش کوتاه‌قصه‌ای درباره اختیار کردن همسر دوم کاملاً مصداق بارزی برای شبیه بودن این دو سریال بود یکدیگر البته در کلیات بود. اما کم کم که قصه جلو رفت حضور رحیم نوروزی در وارش و تکرار نقش «فرخ» سریال «پس از باران» در این سریال به این ماجرا دامن زد. خودتان چقدر این قیاس را درست می‌دانید؟

فضا، لوکیشن، لباس‌ها و … تقریباً شبیه به پس از باران است، فضای ارباب و رعیتی، حضور فردی مظلوم و فردی ظالم همه مشترک‌های بین این دو سریال بود. اما به نظر من تفاوت‌های بسیاری بین این دو سریال وجود دارد و نمی‌توانم بگویم به لحاظ فیلم‌نامه و کاراکترها به هم شباهت دارند چراکه در این دو مورد کاملاً با یکدیگر متفاوت هستند، اما خب در یک فضا کار شده بود و هر دو به تاریخ گذشته برمی‌گشت و یک کار تاریخی به شمار می‌آمد.

داستان این دو سریال که با یکدیگر متفاوت بود اما در بخش‌هایی شباهت‌هایی هم وجود داشت.

مسلم‌ا هر چقدر هم فیلم‌نامه نویس فیلم‌نامه‌ای را بنویسد در بعضی جاها می‌گویند شبیه به فلان کار شده است. جالب است بدانید خیلی‌ها در این مدت به من می‌گویند اینکه وارش دو بچه را بدون پدر و به تنهایی بزرگ می‌کند، او را شبیه به ستایش کرده است و این به این معنی است که همه داستان‌هایی که نوشته می‌شوند ممکن است در یک جاهایی شبیه به هم شوند. این نقد اصلاً منفی نیست و اتفاقی است که شاید در زندگی هر فردی رخ دهد و خیلی عجیب نیست.

در بخش سوم این سریال که به زمان حال مرتبط است، شما دیگر بازی نمی‌کنید و نقش وارش را در سنین پیری خانم نسرین بابایی ایفاگر شده است. نیازی بود که بازی شما با خانم بابایی از نظر حسی هماهنگ شود؟

خانم بابایی اصالتاً شمالی هستند. زمانیکه هنوز بازی من تمام نشده بود و بازی او هم شروع نشده بود تعدادی از سکانس‌های من را دیده بودند و بعد از آن با هم صحبت کردیم و من درباره حسن‌هایی که حین بازی در نقش وارش داشتم برایش گفتم و میزان لهجه‌ای که برای این نقش به کار بردم را توضیح دادم و سعی کردم هر آنچه که خودم حس کرده بودم را به وی انتقال دهم. خانم بابایی بازیگر حرفه‌ای شمالی است که کار خود را به خوبی بلد است. بعد از این سریال هم با همدیگر دوست شدیم.

چرا ادامه نقش را تا پایان خودتان بازی نکردید؟

وقتی که نقش دو پسر من (امیررضا دلآوری و علیرضا جلالی تبار) انتخاب شدند، از لحاظ سنی و فیزیکی از من خیلی بزرگتر بودند و اگر من می‌خواستم مادر آنها باشم خیلی باورپذیر نمی‌شد و به همین خاطر ترجیح دادیم تا بازیگر دیگری را برای نقش وارش در پیری انتخاب کنیم. توسط گریم برای ایفای میانسالی وارش سنم را زیاد کرده بودند و اگر می‌خواستند باز هم پیرترم کنند که نشد. به همراه کل گروه ترجیح دادیم تا با تغییر بازیگر، اتفاق بهتری را رقم بزنیم.

البته شاید هم فکری می‌کردند با استفاده از هنر گریم نمی‌توانند آنچه در نظرشان هست را دربیآورند.

بله نگرانی هم از این موضوع داشتند که مبادا گریم باورپذیری درنیاید و به کلیت نقش آسیب وارد کند.

{فرهنگ و هنر }

رشت چگونه رشت شد

به مناسبت ۱۲ دی ماه روز رشت

خیابان شاهپور رشت



مهمترین کار عمرانی این دوره ایجاد مقدمات احداث خیابان شاهپور (رضا شاه سا بق و شریعتی کنونی) بود.این خیابان قرار بود که شرق و غرب رشت یعنی پل زرجوب را به پل چمار سرا برساند. با پخش خبر برنامه ریزی اجرای این خیابان، نگرانی و ناراحتی مردم رشت دوباره شروع شد. آنان می دانستند که اجرای این پروژه، آوارگی و بی خانمانی عده زیادی را به دنبال دارد. این خیابان به عرض حدودی ۷۳ متر و طول حدودی ۳۵۰۰ متر می بایست ساخته می شد. در مسیر این خیابان ۷۷۳ باب دکان -۳۷۲ باب خانه-۱۳ کاروانسرا- ۱۰ رستوران -۲ باب مدرسه-۴

باب مسجد و کلیسا-۱ باب سینما -۹ باب حمام – می بایست خریداری و تخریب می شد. مردم به شدت نگران شروع امور اجرایی این خیابان قبل از تعیین تکلیف املاک خود بودند. ولوله ای دررشت ،برپا شده بود. عده زیادی از مردم کاسب کوچه و بازار که محل کارشان در مسیر این خیابان از بین می رفت آرامش خود را از دست داده بودند و خواب راحت از آنان گرفته شده بود .باری، پس از یکسال، تا نیر ماه سال ۱۳۰۹ خبری از شروع عملیات اجرایی خیابان به گوش نرسید و با اعلامیه بلدیه ، مردم آن مناطق نفسی راحت کشیده و دانستند به علت نبود بودجه اجرای این خیابان امکانپذیر نمی باشد.

اما بعد از دو سال کار نقشه برداری و تخریب اماکن مسیر، مجددا در آبان ماه سال ۱۳۱۱ کار احداث خیابان شاهپور شروع شد و بیرق های سرخ، به معنی اخطار تخلیه وعزم تخریب شهرداری برای باز کردن مسیر خیابان روی اماکن مسیر قرار گرفت. بیرق هایی که نصب آن با وحشت و غم و غصه ساکنان آن نیزهمراه بود.این بار قطعه اول خیابان از تکیه صیقلان تا میدان بلدیه در برنامه تخریب منازل و تسطیح و بازگشایی خیابان قرار گرفت. درفاز دوم ، خیابان از صیقلان تا پل حاج معین السلطنه (زرجوب) ادامه یافت. دردی ماه همین سال تصمیم احداث پل جدیدی پس از باز شدن خیابان شاهپور اعلام و در برنامه قرار گرفت. کار ساخت این خیابان تا سال ۱۳۱۳ نیزدرحال انجام بود وادامه می یافت. با نزدیکی روز ۲۴ اسفند به مناسبت تولد رضا خان،عمله ها بلدیه با تلاش مضاعفی می خواستند این خیابان را آماده و شروع به استفاده نمایند.اما کار ادامه داشت و به سال دیگر رسید. بالاخره این خیابان بعد از هفت سال در اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۵ به پایان رسید و سال دیگر در ۱۳۱۶ کار آسفالت ریزی آن نیز انجام گرفت. با عوض شدن حاکم گیلان و رفتن دیوان بیگی، مهدی فاطمی حکمروای گیلان شد. اما ریاست بلدیه همچنان عباس حاتمی ماند.

کارخانه گونی بافی رشت



ازخایار مهم این سال افتتاح رسمی کارخانه گونی بافی رشت در فروردین ماه سال ۱۳۱۳ بود.

این کارخانه توسط شرکت سهامی تجاری و صنعتی گیلان مازندران ،در سال ۱۳۰۹ با سرمایه هشت میلیون ریال منقسم به هشت هزار سهم یکهزار ریالی که همه سهامت نقدا پرداخت شده بود ، تأسیس شد و توانست تا سال ۱۳۱۱ کار ساختن سالن ها و برج منبع آب کارخانه را در مساحتی حدود ۷۵۰۰ متر،در زمین ۳۵۰۰۰ مترمربعی ، با کمک مهندسان آلمانی به اتمام رساند. سپس برای خرید ۷۶ دستگاه بافت پارچه گونی و لفاف با ظرفیت دو نیم میلیون متر مربع درسال از انگلستان اقدام کردند.با اتمام ساختمان و نصب ماشین الات واستخدام کارگران ،ساعت یک بعد از ظهر مهر ماه سال ۱۳۱۳ ، پانصد نفر از کارگران کارخانه در شیفت های مختلف کارخانه با لباس کار تازه و تمیز،به صف ایستاده و آماده ورود ولیعهد پانزده ساله ایران برای مراسم افتتاح بودند. ناگهان همههم جمعیت بلند شد و با تشویق و دست زدن و هلهله حضار، ماشین ولیعهد (محمد رضا پهلوی) وارد محوطه کارخانه شد.همزمان صدای بلند و شیپور مانند سیستموت (سوت کارخانه) اولین بار در تمام شهر شنیده شد واز آن پس، سالها، روزانه سه بار، این صدای بلند، ساعات شیفت کارگران را اعلام میکرد. میهمانان و مدیران وارد سالن های تولید شده و با بریدن روبان پرچم سه رنگ ایران توسط ولیعهد،کارخانه گونی بافی رشت افتتاح شد.این کارخانه مشکل مواد اولیه نداشت و مواد اولیه کارخانه، کتف و دیگر الیاف گیاهی بود که در سواحل خزر تولید میشد . از ان تاریخ تا بعد از انقلاب اسلامی وسالهای پس از جنگ ایران و عراق ، بخشهایی از کارخانه، کیسه های سنگر سازی رزمندگان را تولید میکرد ،

دوشنبه ۹ دی ۱۳۹۸

(قسمت هفتم)

بعد از انقلاب این محوطه و ساختمان های تولید تحویل جهاد سازندگی شد و اکنون اداره جهاد و کشاورزی استان گیلان در ان مستقر است.

در برف سنگین سال ۱۳۸۳ بخشهای از ساختمان فرو ریخت و از بین رفت.اگر چه این بنای تاریخی و صنعتی ، در سیزدهم بهمن ماه ۱۳۸۸ به شماره ۲۹۳۱۷ توسط سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است ، لیکن روند تخریب ساختمانهای قدیمی کارخانه و ساختن ابنیه جدید اداری درمحوطه آن بسرعت تمام به پیش میرود .

دانشسرای رشت



عمارت دو طبقه قاجاری با نمای آجر چینی تزئینی ، درو پنجره‌های بزرگ چوبی و دستگیره‌های برنجی ،با حوضی کاشیکاری شده با کاشی های ابی منقش به نقش شاهان قاجاردر وسط حیاط و دیوارهای آجری دور محوطه که هر قسمت از دیوار با طاق و طاقچه های کنار هم امتداد می یافت ، با معماری بسیار زیبا درضلع غربی منتهی به سنگ پل و سپس ساغریسازان، به کوشش میرزا حسن خان ناصر که بانی و گرداننده اصلی مدرسه رشیدیه بود درسال ۱۲۸۴ خورشیدی مقارن با سالهای انقلاب مشروطه تاسیس شد. رو بروی این عمارت مسجدی بود و آن سوی مسجد باغ بزرگی که تا حاشیه رودخانه زرجوب ادامه می یافت و با خانه های پراکنده درمحله ای که به جیر باغ مشهور بود،مردمان طبقات پایین و کارگر وکاسب را در خود جای میداد.دو سال بعد در سال ۱۲۸۶ ، قزاقان روسیه به دستور نکراسف، کنسول روسیه تزاری این مدرسه را اشغال کردند. حضور روس‌ها، این مدرسه را به مخروبه‌ای تبدیل کرد و چند تن از آوراگان لهستانی بازداشت شده نیز در انتهای حیاط ان مدفون شدند. اما کمی بعد سیدحسن خان عدالت رئیس معارف رشت با کمک‌های مردم و خساراتی که از کنسول روس دریافت کرد توانست این مدرسه را تعمیر و محل آن را برای استفاده مدرسه رشیدی آماده کند. در سال ۱۳۱۳ این عمارت زیبا به دستوراداره معارف برای دانشسرای تربیت معلم رشت که وظیفه تربیت آموزگاران مدارس را به عهده بگیرد اختصاص یافت. این دانشسرا درپانزدهم مهرماه سال ۱۳۱۳افتتاح شد ویکی از بهترین اتفاقات آن سال در رشت بود. در سال اول ،سی نفر دانشجوی پسر از رشت و سایر شهرهای گیلان ،که ناهار خود را بطور رایگان درسالن ناهارخوری دانشسرا میخوردند و ماهی ۳ تومان هم کمک هزینه تحصیلی دریافت میکردند،شروع به تحصیل در این مکان کردند. دوره تحصیل برای دانشجویان ۲ سال بود که پس از پایان تحصیلات با پایه یک آموزگاری به استخدام دولت درآمده و طبق تعهدی که داشتند برای آموزگاری به محل ماموریت خود می رفتند. دانشجویانی که در امتحانات نهایی رتبه اول یا دوم را کسب می کردند برای ادامه تحصیل به دانشسرای عالی معرفی می شدند.

قبل از سال ۱۳۳۰ این مکان دوباره به مدرسه ابتدایی رشیدی تبدیل شد و تا قبل از سال ۱۳۷۰ همچنان به فعالیت آموزشی خود با نام دبستان شهید نجفی ،ادامه میداد.در همان سالها بود که دانش آموزان خاطی را کنار حوض مدرسه به چوب و فلک می بستند. بعدها حوض داخل حیاط مدرسه را پر کردند ولی حیاط سنگفرش آن همچنان باقی بود.

از سال ۱۳۷۰ این ساختمان زیبایی بجا مانده از دوران قاجارها شد و روند تخریب ان شروع گردید. بعد ازاین همه ماجرا، مالکین اصلی بنا یعنی ورثه مرحوم جفرودی با پیگیری‌های قانونی، ملک خود را از آموزش و پرورش پس گرفتند. این بنا در دوم مرداد ماه سال ۱۳۸۷ با شماره ۲۳۰۴۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید .اما اینک با رها کردن آن ساختمان تاریخی ،روند تخریب نهایی آن در گذر زمانه ،درمیان باد و باران و آفتاب می گذرد .

سایر اتفاقات سال ۱۳۱۳ رشت



سرشماری نفوس گیلان ، دایر شدن بیمارستان چشم پزشکی ، و برگزاری جشن هزارمین سال تولد فردوسی که به مدت یک هفته ادامه یافت از جمله اتفاقات خوب سال ۱۳۱۳ بود.درانتهای جشن فرهنگی هزاره تولد فردوسی در رشت، ساختمان کتابخانه ملی که از سال ۱۳۰۶، ساختمان آن با هزینه بخشی از مردم فرهنگ پروررشت شروع شده بود نیزبا دعوت جمعیت نشر فرهنگ گیلان و با حضور حکمران و جمع کثیری ازمیهمانان فرهنگدوست و کتابخوان، طی مراسم باشکوهی در بیستم مهرماه ۱۳۱۳ افتتاح شد .**پژوهشگر اجتماعی**